

۶ اقتصاد	پنجشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴ / شماره ۲۰۶۸
-----------------	-----------------------------------

بودجه نهادهای خاص را کاهش دهید!

تبعات حذف ارز ترجیحی ویارانه مردم



یک کارشناس اقتصادی با هشدار نسبت به افزایش قیمت بنزین، از دولت و

وزارت اقتصاد خواست اگر واقعا قصد گران کردن بنزین را دارند، در مقابل تبعات

بزرگ آن هم پاسخگو بمانند.

به گزارش خبرنگاران این روزها شایعات بسیاری در مورد افزایش قیمت بنزین مطرح می شود. چند روز قبل حمید رسایی و امیرحسین ثابتی از تصمیم دولت برای افزایش نرخ بنزین خبر دادند، خبری که به سرعت از سوی دولت تکذیب شد. با این حال دیگر نزدیکان مسعود پزشکیان مانند دوره تبلیغات انتخاباتی گران کردن بنزین را قاطعانه رد نمی کنند و تنها به گفتن اینکه در مقطع فعلی چنین تصمیمی اتخاذ نشده، اکتفا می کنند. این در حالی است که در دوره تبلیغات انتخاباتی پزشکیان و مشاور اقتصادی او، یعنی علی طیب نیا، شایعات مربوط به افزایش قیمت بنزین را رد می‌کردند و حتی عنوان شدن چنین چیزهایی را کار خد تبلیغی اردوگاه رقیب می‌دانستند. حالا به نظر می‌رسد دولتی‌ها مایل هستند به نحوی بنزین را گران کنند که موجب «رسوایی» نشود.

حسین راغفر، منتقد اقتصاد کلان درباره این مساله به خبرنگارلین گفت: این همه‌هایی که اخیرا در راستای افزایش نرخ بنزین و ارز راه افتاده یک اتفاق نیست، اینها را باید تحت عنوان «پیشگویی‌های خود محقق» دسته‌بندی کنیم.

این اقدام، ابزاری تبلیغاتی و روانشناختی است که نظریه آن در اقتصاد هم باز شده است. معنای این مفهوم آن است که اگر یک چیز را دائما تکرار کنید، پس از چندی آن مساله محقق خواهد شد. وی ادامه داد: طی ۳۷ سال گذشته بارها شاهد چنین رویه‌ای بودیم که اول یک بحث را داغ می‌کنند و سپس همان را به سیاست اجرایی تبدیل می‌کنند. بارها پیش از آنکه نرخ دلار افزایش یابد یا بنزین را گران کنند، شاهد بودیم که این بحثها ابتدا در رسانه‌های زرد و دست راستی طرح شد و سپس در دستور کار سیاستگذاران قرار گرفت و اجرا شد. امروز که دوباره این بحثها به سرتیتر اخبار یکسری رسانه‌ها تبدیل شده، این نگرانی پیش آمده که دوباره دولت بخواهد گران‌سازی را در دستور بگذارد.

از نظر این اقتصاددان استفاده از رسانه به عنوان ابزاری که بتواند جای راست و دروغ را عوض کند و یک اقدام اشتباه را به عنوان تنها سیاست اصولی در جامعه طرح کند، در جهان امروز و ایران مرسوم است. وی با بیان اینکه امروز هم عده‌ای از رسانه‌ها و نزدیکان سرمایه‌داران در پی افزایش نرخ دلار ۱۵۰ هزار تومان و چند برابر کردن قیمت حامل‌های انرژی هستند، ادامه داد: این اقتصاددانان و روزنامه‌نگاران و محافل مرتبط با آنها را «مافیای گران‌سازی» می‌نامم زیرا در شرایطی که اقتصاد و به ویژه معیشت مردم ایران در پی سالها گران‌سازی، تعدیل ساختاری و شوک درمانی نحیف شده و اقداماتی چون گران کردن ارز و بنزین بدون تردید موجب افزایش رنج انسان‌ها، بی ثباتی امنیتی، اجتماعی و سیاسی در کشور خواهد شد. درواقع اگر دولت در پی عملی کردن این اقدامات بود یک شوک سهمگین را به کشورمان تحمیل کرده است.

راغفر با انتقاد از الیگارش‌های ایرانی گفت: در وضعیتی که کشور در لبه تیغ جنگ قرار دارد، این انتظار وجود دارد که همه اقشار به یاری یکدیگر بشتابند تا از این برهه دشوار بگذریم اما این سرمایه‌داران نوکیسه و غارتگر وطنی به هیچ چیز جز منافع خودشان اهمیتی نمی‌دهند و هر گاه هم مشکل یا بحرانی چون جنگ به وجود بیاید به سرعت اموال و ثروتپاشیان را از ایران خارج می‌کنند.

عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا با ذکر این نکته که نفوذی‌های زیادی در کشور وجود دارند، هشدار داد: نفوذی‌ها فقط سراغ بخش نظامی یا سیاست خارجه نرفته‌اند و در نظام سیاستگذاری اقتصادی هم لانه کرده‌اند. اینکه در ۳۷ سال گذشته صرفا یکسری سیاستهای اقتصادی با جهت‌گیری‌های مشخص اجرا شده‌اند که جز شکست و تباهی برای عموم جامعه هم دستاوردی به همراه نداشته‌ند، به باور من سازماندهی شده و حتی محصور نفوذ است.

راغفر از همه اقتصاددانانی است که سیاستگذاری اقتصادی در ۳۷ سال گذشته را مجموعه اشتباه و خسارت‌بار می‌داند. به باور این دسته از تحلیل گران، با اینکه تغییر دولتها موجب می‌شد جناحهای مختلف سر کار بیایند که در مسائل بین‌المللی یا فرهنگی رویکردهای متفاوتی دارند اما در حوزه اقتصاد، نگاه حاکم بر همه دولت های پس از جنگ ثابت باقی مانده است.

راغفر توضیح داد: نظام تصمیم‌گیری اقتصادی به طور کلی در تسخیر این جناح است و با هر تغییر دولت، باز هم آنها در جای خود باقی می‌مانند و درنتیجه سیاستهای اقتصادی هم تغییری نمی‌کنند. این افراد طوری به روسای جمهوری القا می‌کنند که گویی چند اقدامات راه حل دیگری وجود ندارد. به دروغ ادعا می‌کنند اقتصاد کشور دستوری است و باید ارز گران شود و گرته رانت است و روسای جمهوری به هر دلیلی از جمله ناآشنایی با اقتصاد این حرفها را پذیرفته‌اند. او افزود: البته باید این مسائل را در بستر اقتصاد سیاسی حاکم بر کشورمان فهم کنیم. در این بستر، این اقدامات گرچه بخش بزرگی از مردم و تولید ملی را دچار مشکل می‌کند اما منافع بزرگی برای یک اقلیت کوچک به دنبال دارد. اینکه نرخ دلار گران می‌شود به معنای افزایش تورم است اما تورم و دلار گران اگر برای اکثریت دردسار شود، برای آن مافیای گران‌سازی سودهای بادآورده به دنبال دارد.

تکرار چندین باره این سیاست‌ها هم مشکلات عمومی را همزمان با حسابهای بانکی آن عده قلیلی افزایش می‌دهد و مارپیچی تومی را به اقتصاد تحمیل می‌کند. پس از گرانی بنزین، دلار را گران می‌کنند و پس از تضعیف ارزش پول ملی، بهانه لازم برای گرانی دوباره بنزین را می‌گیرند. بنزین را از یک لیتری ۱۰۰ تومان به سه هزار گرفته‌اند که کسری‌های بودجه خود را با تحمیل تورم به جامعه و تضعیف ارزش پول ملی جبران کنند. هر گاه کسری بودجه دارند دست به گران کردن ارز می‌زنند تا از این طریق ناترازی مالی خود را مرتفع کنند. گران کردن دلار به تورم بالا منجر می‌شود و پس از مدتی تورم بالا را بهانه می‌کنند تا دوباره دست به گران‌سازی بنزین بزنند. بعد از گذشت زمانی، دوباره دولت دچار کسری می‌شود و دوباره برای تامین کسری خود، دلار را گران می‌کند و به این ترتیب مارپیچ تومی ادامه پیدا می‌کند. او ادامه داد: افزایش قیمت بنزین و ارز به سرعت بر تمام اقتصاد اثر خواهد داشت و تورم را به همه اقتصاد تحمیل می‌کند. در شرایط آشفته فعلی کشور این دسته از اقدامات موجب افزایش بی‌ثباتی و نابسامانی‌ها خواهد شد. دولت هم متأسفانه هیچ نظارتی بر قیمتها ندارد و به احتمال زیاد تورمی که از این اقدام ایجاد می‌شود باید بیشتر از آن چیزی باشد که علی‌العموم باید ایجاد شود. او یاد آور شد: اگر نرخ ارز را دولت دستکاری نکرده بود و بالا نبرده بود، اکنون قیمت دلار در حدود ۱۵ هزار تومان می‌بود و در این صورت دیگر قیمت فعلی بنزین گران نبود. اما دولت خودش ارز را گران کرده و همان را بهانه یک اقدام تورم‌زای دیگر می‌کند. به نوعی که گویی این مردم و سفره‌هایشان هستند که تاوان اشتباه دستگاه اجرایی را می‌پردازند. عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا افزایش قیمت بنزین را به معنای تحمیل یک شوک تازه به جامعه دانست که پیامدهایی به دنبال دارد و از دولت و وزارت اقتصاد خواست پاسخگوی تبعات احتمای این اقدام خود باشند. وی درباره فشارها بر بانک مرکزی برای افزایش نرخ ارز ترجیحی خاطرنشان ساخت: این فشار هم از جانب صاحبان ارز و عناصر آنها وارد می‌شود. با وجود همین سامانه‌هایی که وجود دارد و قوانینی که نگاهها را ملزم به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات‌شان کرده، بیش از ۹۵ میلیارد دلار از ارز صادرات به کشور بازنگشته است. جالب اینکه ۸۰ درصد از این رقم هم از آن پتروشیمی‌ها و فولادی‌هایی است که دولت در تعیین مدیرعامل آنها نقش ندارد.

اخبار

پزشکیان وعده انتخاباتی خود را کنار گذاشت؟

صدای پای گرانی بنزین می‌آید؟



یک کارشناس اقتصادی با هشدار نسبت به افزایش قیمت بنزین، از دولت و وزارت اقتصاد خواست اگر واقعا قصد گران کردن بنزین را دارند، در مقابل تبعات بزرگ آن هم پاسخگو بمانند.

به گزارش خبرنگارلین این روزها شایعات بسیاری در مورد افزایش قیمت بنزین مطرح می شود. چند روز قبل حمید رسایی و امیرحسین ثابتی از تصمیم دولت برای افزایش نرخ بنزین خبر دادند، خبری که به سرعت از سوی دولت تکذیب شد. با این حال دیگر نزدیکان مسعود پزشکیان مانند دوره تبلیغات انتخاباتی گران کردن بنزین را قاطعانه رد نمی کنند و تنها به گفتن اینکه در مقطع فعلی چنین تصمیمی اتخاذ نشده، اکتفا می کنند. این در حالی است که در دوره تبلیغات انتخاباتی پزشکیان و مشاور اقتصادی او، یعنی علی طیب نیا، شایعات مربوط به افزایش قیمت بنزین را رد می‌کردند و حتی عنوان شدن چنین چیزهایی را کار خد تبلیغی اردوگاه رقیب می‌دانستند. حالا به نظر می‌رسد دولتی‌ها مایل هستند به نحوی بنزین را گران کنند که موجب «رسوایی» نشود.

حسین راغفر، منتقد اقتصاد کلان درباره این مساله به خبرنگارلین گفت: این همه‌هایی که اخیرا در راستای افزایش نرخ بنزین و ارز راه افتاده یک اتفاق نیست، اینها را باید تحت عنوان «پیشگویی‌های خود محقق» دسته‌بندی کنیم.

این اقدام، ابزاری تبلیغاتی و روانشناختی است که نظریه آن در اقتصاد هم باز شده است. معنای این مفهوم آن است که اگر یک چیز را دائما تکرار کنید، پس از چندی آن مساله محقق خواهد شد. وی ادامه داد: طی ۳۷ سال گذشته بارها شاهد چنین رویه‌ای بودیم که اول یک بحث را داغ می‌کنند و سپس همان را به سیاست اجرایی تبدیل می‌کنند. بارها پیش از آنکه نرخ دلار افزایش یابد یا بنزین را گران کنند، شاهد بودیم که این بحثها ابتدا در رسانه‌های زرد و دست راستی طرح شد و سپس در دستور کار سیاستگذاران قرار گرفت و اجرا شد. امروز که دوباره این بحثها به سرتیتر اخبار یکسری رسانه‌ها تبدیل شده، این نگرانی پیش آمده که دوباره دولت بخواهد گران‌سازی را در دستور بگذارد.

از نظر این اقتصاددان استفاده از رسانه به عنوان ابزاری که بتواند جای راست و دروغ را عوض کند و یک اقدام اشتباه را به عنوان تنها سیاست اصولی در جامعه طرح کند، در جهان امروز و ایران مرسوم است. وی با بیان اینکه امروز هم عده‌ای از رسانه‌ها و نزدیکان سرمایه‌داران در پی افزایش نرخ دلار ۱۵۰ هزار تومان و چند برابر کردن قیمت حامل‌های انرژی هستند، ادامه داد: این اقتصاددانان و روزنامه‌نگاران و محافل مرتبط با آنها را «مافیای گران‌سازی» می‌نامم زیرا در شرایطی که اقتصاد و به ویژه معیشت مردم ایران در پی سالها گران‌سازی، تعدیل ساختاری و شوک درمانی نحیف شده و اقداماتی چون گران کردن ارز و بنزین بدون تردید موجب افزایش رنج انسان‌ها، بی ثباتی امنیتی، اجتماعی و سیاسی در کشور خواهد شد. درواقع اگر دولت در پی عملی کردن این اقدامات بود یک شوک سهمگین را به کشورمان تحمیل کرده است.

راغفر با انتقاد از الیگارش‌های ایرانی گفت: در وضعیتی که کشور در لبه تیغ جنگ قرار دارد، این انتظار وجود دارد که همه اقشار به یاری یکدیگر بشتابند تا از این برهه دشوار بگذریم اما این سرمایه‌داران نوکیسه و غارتگر وطنی به هیچ چیز جز منافع خودشان اهمیتی نمی‌دهند و هر گاه هم مشکل یا بحرانی چون جنگ به وجود بیاید به سرعت اموال و ثروتپاشیان را از ایران خارج می‌کنند.

عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا با ذکر این نکته که نفوذی‌های زیادی در کشور وجود دارند، هشدار داد: نفوذی‌ها فقط سراغ بخش نظامی یا سیاست خارجه نرفته‌اند و در نظام سیاستگذاری اقتصادی هم لانه کرده‌اند. اینکه در ۳۷ سال گذشته صرفا یکسری سیاستهای اقتصادی با جهت‌گیری‌های مشخص اجرا شده‌اند که جز شکست و تباهی برای عموم جامعه هم دستاوردی به همراه نداشته‌ند، به باور من سازماندهی شده و حتی محصور نفوذ است.

راغفر از همه اقتصاددانانی است که سیاستگذاری اقتصادی در ۳۷ سال گذشته را مجموعه اشتباه و خسارت‌بار می‌داند. به باور این دسته از تحلیل گران، با اینکه تغییر دولتها موجب می‌شد جناحهای مختلف سر کار بیایند که در مسائل بین‌المللی یا فرهنگی رویکردهای متفاوتی دارند اما در حوزه اقتصاد، نگاه حاکم بر همه دولت های پس از جنگ ثابت باقی مانده است.

راغفر توضیح داد: نظام تصمیم‌گیری اقتصادی به طور کلی در تسخیر این جناح است و با هر تغییر دولت، باز هم آنها در جای خود باقی می‌مانند و درنتیجه سیاستهای اقتصادی هم تغییری نمی‌کنند. این افراد طوری به روسای جمهوری القا می‌کنند که گویی چند اقدامات راه حل دیگری وجود ندارد. به دروغ ادعا می‌کنند اقتصاد کشور دستوری است و باید ارز گران شود و گرته رانت است و روسای جمهوری به هر دلیلی از جمله ناآشنایی با اقتصاد این حرفها را پذیرفته‌اند. او افزود: البته باید این مسائل را در بستر اقتصاد سیاسی حاکم بر کشورمان فهم کنیم. در این بستر، این اقدامات گرچه بخش بزرگی از مردم و تولید ملی را دچار مشکل می‌کند اما منافع بزرگی برای یک اقلیت کوچک به دنبال دارد. اینکه نرخ دلار گران می‌شود به معنای افزایش تورم است اما تورم و دلار گران اگر برای اکثریت دردسار شود، برای آن مافیای گران‌سازی سودهای بادآورده به دنبال دارد.

تکرار چندین باره این سیاست‌ها هم مشکلات عمومی را همزمان با حسابهای بانکی آن عده قلیلی افزایش می‌دهد و مارپیچی تومی را به اقتصاد تحمیل می‌کند. پس از گرانی بنزین، دلار را گران می‌کنند و پس از تضعیف ارزش پول ملی، بهانه لازم برای گرانی دوباره بنزین را می‌گیرند. بنزین را از یک لیتری ۱۰۰ تومان به سه هزار گرفته‌اند که کسری‌های بودجه خود را با تحمیل تورم به جامعه و تضعیف ارزش پول ملی جبران کنند. هر گاه کسری بودجه دارند دست به گران کردن ارز می‌زنند تا از این طریق ناترازی مالی خود را مرتفع کنند. گران کردن دلار به تورم بالا منجر می‌شود و پس از مدتی تورم بالا را بهانه می‌کنند تا دوباره دست به گران‌سازی بنزین بزنند. بعد از گذشت زمانی، دوباره دولت دچار کسری می‌شود و دوباره برای تامین کسری خود، دلار را گران می‌کند و به این ترتیب مارپیچ تومی ادامه پیدا می‌کند. او ادامه داد: افزایش قیمت بنزین و ارز به سرعت بر تمام اقتصاد اثر خواهد داشت و تورم را به همه اقتصاد تحمیل می‌کند. در شرایط آشفته فعلی کشور این دسته از اقدامات موجب افزایش بی‌ثباتی و نابسامانی‌ها خواهد شد. دولت هم متأسفانه هیچ نظارتی بر قیمتها ندارد و به احتمال زیاد تورمی که از این اقدام ایجاد می‌شود باید بیشتر از آن چیزی باشد که علی‌العموم باید ایجاد شود. او یاد آور شد: اگر نرخ ارز را دولت دستکاری نکرده بود و بالا نبرده بود، اکنون قیمت دلار در حدود ۱۵ هزار تومان می‌بود و در این صورت دیگر قیمت فعلی بنزین گران نبود. اما دولت خودش ارز را گران کرده و همان را بهانه یک اقدام تورم‌زای دیگر می‌کند. به نوعی که گویی این مردم و سفره‌هایشان هستند که تاوان اشتباه دستگاه اجرایی را می‌پردازند. عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا افزایش قیمت بنزین را به معنای تحمیل یک شوک تازه به جامعه دانست که پیامدهایی به دنبال دارد و از دولت و وزارت اقتصاد خواست پاسخگوی تبعات احتمای این اقدام خود باشند. وی درباره فشارها بر بانک مرکزی برای افزایش نرخ ارز ترجیحی خاطرنشان ساخت: این فشار هم از جانب صاحبان ارز و عناصر آنها وارد می‌شود. با وجود همین سامانه‌هایی که وجود دارد و قوانینی که نگاهها را ملزم به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات‌شان کرده، بیش از ۹۵ میلیارد دلار از ارز صادرات به کشور بازنگشته است. جالب اینکه ۸۰ درصد از این رقم هم از آن پتروشیمی‌ها و فولادی‌هایی است که دولت در تعیین مدیرعامل آنها نقش ندارد.

اینکه گفته می‌شود دولت برای حمایت از اقشار فرودست و حقوق‌بگیران منابع ندارد، اظهارنظر درستی نیست زیرا دولت به راحتی می‌تواند این منابع را از درون بودجه خود تدارک ببیند. برای مثال ما باید به نهادهای فرهنگی و اجتماعی که از نظر عملکردی کارایی عملی چندانی ندارند، فشار بیشتری برای کاهش بودجه وارد کنیم.

به گزارش اپلنا، با وجود تاکید چندین باره وزیر اقتصاد و وزیر کشاورزی مبنی بر حذف ارز ترجیحی و ارزهای موجود در تالارهای مرکز مبادله ارز به منظور تک نرخی کردن ارز و کاهش فشار ارزی بر دولت، مسئولان بانک مرکزی در برابر یکسان‌سازی نرخ ارز پافشاری می‌کنند.

در حالی‌که سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، بر ضرورت حرکت به سمت تک‌نرخی شدن ارز تأکید دارد، محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، همچنان از تداوم سیاست ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دفاع می‌کند و اجرای نرخ واحد را در شرایط فعلی، غیرعملی و موجب افزایش قیمت کالاهای اساسی می‌داند.

زمنمه‌ها از زمانی شروع شد که رسانه‌های نزدیک به دولت فاش کردند: «به تازگی بانک مرکزی در مجموع مقررات ارزی تغییراتی ایجاد و ارز مسافرتی را از لیست پرداختی‌های خود حذف کرد. اقدامی که می‌تواند آغازی برای کنار گذاشتن کامل ارز دولتی از کالا و خدمات مشمول و در نهایت حرکت جدی‌تر به سمت یکسان‌سازی نرخ ارز باشد.»

چنین آرایشی برای حذف ارزهای دولتی و ترجیحی، البته تهدیدکننده ارزش پول ملی نیز هست؛ به ویژه اینکه بیشتر اقشار حقوق بگیر (از کارگران و کارمندان گرفته تا بازنشستگان) با حذف ارز ترجیحی، سفره‌هایی کوچک‌تر از سفره‌های کوچک فعلی خود خواهند داشت. در همین شرایط است که معاون ارزی بانک مرکزی، هرگونه اقدام برای حذف ارزهای ترجیحی و مرکز مبادله ارزی را تکذیب کرد. علیرضا گویز زاده روز یکشنبه در حاشیه نشست با اعضای کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ایران پیرامون اختلاف قیمت بین ارز آزاد و ارز در تالار مرکز مبادله‌ای اظهار کرد: «نرخ عرضه تالار یک تحت عنوان ارز مبادله‌ای به قوت خود باقی است و برنامه‌ای برای افزایش آن نداریم.»

با این وجود معمولاً در میان نزاع‌های مرسوم میان دولت و بانک مرکزی، این دولت و وزرای اقتصادی بوده‌اند که مهر خود را بر تصمیمات قوه مجریه کوبیده‌اند و نگرانی مقامات بانک مرکزی برای کنترل نرخ ارز معمولاً به تصمیمی قاطع برای حفظ ارزش پول و کنترل این نرخ نینجامیده است؛ نگرانی‌ای که علاوه بر مقامات بانک مرکزی، کارشناسان اقتصادی را نیز برانگیخته است. خیز دولت برای حذف ارزهای حمایتی (اعم از ترجیحی و مرکز تبادل) در شرایطی صورت گرفته که اخیراً طبق اعلام نهادهای رسمی، کالابرگ الکترونیکی و یارانه نقدی پنج دهک بالای جامعه (شامل ۱۸ میلیون نفر از یارانه بگیران) طی چهارماه اخیر پس از جنگ دوازده روزه حذف شده است؛ حذقی که قرار بود همراه با افزایش یارانه دهک‌های فرودست (به ویژه سه دهک پایین) باشد، اما هنوز هیچ اقدامی در این جهت از سوی دولت انجام نشده است.

هرچند استدلال دولتی‌ها در قبال حذف یارانه‌های مختلف در حوزه ارز، سوخت، کالاهای اساسی و کالابرگ ناظر برعدم اصابت

مردم دیگر مثل گذشته میوه خرید نمی‌کنند

میوه در بازار هست اما گران است

رئیس اتحادیه صنف فروشندگان میوه و سبزی تهران می‌گوید: خرید میوه از طرف مردم به صورت اقتصادی انجام می‌شود به این صورت که به اندازه نیاز مصرف خرید می‌کنند و این فرهنگ سازی باید خیلی قبل‌تر انجام می‌شد.

به گزارش اقتصاد ۲۴، بازار میوه نیز متأثر از تورم و گرانی‌ها آرام نگرفته است و هر روز با هر تغییر جزئی در بخش‌های مختلف اقتصاد شاهد گرانی و جهش قیمت محصولات در بازار هستیم. گرانی میوه در تابستان که اینقدر تنوع محصولات را در بردار جای تعجب بود. در فصل گذشته با وجود تنوع در محصولات، قیمت‌ها به اندازه‌ای گران شده بودند که به گفته فروشندگان و فعالان در این بازار بیش از نیمی از مردم توان خرید میوه را نداشتند. با نگاهی به میادین میوه و تره‌بار و واحدهای صنفی سطح شهر، می‌توان دید که فراوانی میوه در بازار جای شکر دارد؛ اما پرسش اساسی این است که چرا با وجود این وفور، قیمت‌ها همچنان بالاست؟

همواره برای گرانی‌ها توجیهاتی خاص، گاه منطقی و گاه کلیشه‌ای ارائه می‌شود. هرچند افزایش قیمت میوه نیز تا حدی تحت‌تأثیر تورم عمومی جامعه است، اما این توضیح نمی‌تواند تمام واقعیت را بازگو کند. در اصل، ریشه اصلی گرانی را باید در ضعف مدیریت و نظارت متولیان بازار مصرف جست‌وجو کرد؛ جایی که نبود برنامه‌ریزی مؤثر، زنجیره توزیع نامناسب و واسطه‌گری‌های متعدد، سهم بیشتری از افزایش قیمت

دقیق یارانه‌ها به اقشار ذی‌حق و قرار گرفتن

بخش اعظم این یارانه‌ها در دست دهک‌های ثروتمند است اما تجربه نشان داده که علت اساسی مخالفت مردم و کارشناسان اقتصادی منتقد، عدم اختصاص حمایت‌های جبرانی به طبقات فرودست در ازای حذف یارانه‌ها و حمایت‌های ارزی دولت است.

سیاست مالیاتی جایگزین سیاست یارانه‌ای می‌شود؟

بسیاری از کارشناسان، با استناد به شیوه‌های سیاستگذاری اقتصادی کشورهای توسعه یافته اروپایی، تکیه بر درآمد مالیاتی و استفاده از درآمد مالیاتی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را به جای توزیع یارانه دولتی تجویز می‌کنند؛ راهبردی که باتوجه به شرایط خاص اقتصادی ایران موافقان و مخالفانی دارد.

مصطفی شریف (اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی) در این رابطه توضیح می‌دهد: ما باید رودربایستی با مردم را کنار بگذاریم. در این شرایط حساس اقتصادی کشور، دولت‌توان به‌دوش کشیدن بار سنگینی که از گذشته روی شانه‌های نهاد دولت گذاشته شده را ندارد. این بار شامل یارانه‌های نقدی و کالابرگی و همچنین حمایت‌هایی در جهت کنترل نرخ ارز است که این دولت با منابع فعلی

توان تداوم آن را ندارد. وی افزود: گاهی شما یک دولت کارآمد با درآمد کافی و بدون اولیگارشی‌های اقتصادی مزاحم دارید و در آن صورت در حمایت‌های یارانه‌ای دست بازی خواهید داشت. اما گاهی شما چنین شرایطی را ندارید و علاوه بر وجود اولیگارشی‌ها و انحصارگران ویژه مالی و اقتصادی، به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها، افت درآمد و . . امکان چنین سیاستگذاری گشاده‌دستانه‌ای نیست. در این شرایط، دولت ناگزیر به یافتن راهکارهای دیگر است تا این هزینه‌های سنگین را که اکنون منابع تامین آن را ندارد، روی زمین بگذارد.

شریف ادامه داد: دولت به دنبال راهی است که بتواند آرام آرام بخش‌هایی از این هزینه‌ها را کاهش داده و از زیر بار آن شانه خالی کند. اگر دولت به صورت حساب شده این کار را کند و همزمان با آن از دهک‌های فرودست و کم درآمد نیز حمایت کافی به عمل آورد، می‌تواند این تغییر ساختاری را در سیستم هزینه‌ای خود انجام دهد و این در بلندمدت برای اقتصاد ایران می‌تواند مفید باشد.

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: دولت در

را رقم می‌زنند.

تأثیر مستقیم بحران نهاده‌ها بر تولیدات باغی

اسماعیل حقی، یکی از باغداران نمونه غرب کشور به دلایل گرانی میوه اشاره کرد و گفت: کمبود یا گرانی نهاده‌های استراتژیک مانند کود، سموم و سایر ملزومات تولید، مستقیماً بر هزینه تمام‌شده تولید میوه تأثیر می‌گذارد. زمانی که قیمت سویا و نهاده‌های دامی بالا می‌رود، هزینه‌های تولید محصولات گلخانه‌ای و حتی باغی که وابسته به نهاده‌های مشابه هستند، افزایش می‌یابد. به گفته حقی، این افزایش هزینه تولید در نهایت با تأخیر چند ماهه خود را در میادین میوه و تره‌بار نشان می‌دهد. این تأخیر همان مسئله‌ای است که تولیدکنندگان، به ویژه در بخش کشاورزی، همواره به آن تأکید دارند. وی افزود که برای جلوگیری از وقوع چنین تأخیری یا کاهش اثرات آن، متولیان وزارت جهاد کشاورزی تاکنون برنامه جدید و مؤثری ارائه نکرده‌اند.

ضعف در مدیریت زمان‌بندی خرید و توزیع میوه

این باغدار ادامه داد: انتقاد مطرح‌شده مبنی بر عدم اشراف وزیر جهاد کشاورزی بر جغرافیای خرید و زمان‌بندی فصول برداشت در بازارهای جهانی به این معناست که واردات یا تأمین داخلی در زمان مناسب انجام نشده است. این ناهماهنگی‌ها باعث می‌شود میوه‌هایی که باید در فصول مشخص ذخیره یا وارد شوند، با تأخیر در تصمیم‌گیری، به‌صورت ناگهانی گران شوند.

وی تصریح کرد: علاوه بر این، نوسانات در تأمین

این میان بین گزینه‌های مختلف برای کاهش

هزینه‌های یارانه‌ای خود و هزینه‌های کنترل نرخ ارز باکلتیف باقی مانده است. برای مثال دولت از دست زدن به یارانه نان و بنزین به دلیل تبعات اجتماعی آن هراس دارد، اما در قبال برخی موارد دیگر مثل کالابرگ‌های الکترونیکی و ارز مبادله‌ای این ترس از دستکاری و حذف

کمتر است. اما در بلندمدت باید سازوکار

بهتری جایگزین هزینه‌های سنگین فعلی دولت

شود که حمایت‌ها به اهداف اصلی اصابت کند.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی تأکید کرد: واقعیت این است که رانت قابل توجهی در بعضی تخصیص‌های ارز و یارانه در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران وجود دارد که عمدتاً به گروه‌های فرادست درآمدی می‌رسد. هدف اولیه تخصیص ارز ترجیحی این نبود که امتیازاتی به گروه‌های خاص داده شود و قرار بود هزینه‌ها برای عموم مردم مدیریت شود؛ اما با صرف این ارز در نزد برخی گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی، این منافع به عموم مردم نمی‌رسد. باید سازوکاری ایجاد شود که پرداخت‌های انتقالی دولت برای حمایت از گروه‌های مختلف مردم، دقیقاً به گروه‌های هدف اصابت کند و در این راستا برخی حمایت‌های نقدی و ارزی، کارآمد نیست.

وی خاطرنشان کرد: اینکه گفته می‌شود دولت برای حمایت از اقشار فرودست و حقوق‌بگیران منابع ندارد، اظهارنظر درستی نیست زیرا دولت به راحتی می‌تواند این منابع را از درون بودجه خود تدارک ببیند. برای مثال ما باید به نهادهای فرهنگی و اجتماعی که از نظر عملکردی کارایی عملی چندانی ندارند، فشار بیشتری برای کاهش بودجه وارد کنیم. برخی نهادها مانند صداوسیما که می‌توانند خود بخشی از هزینه‌هایشان را مدیریت کنند، بودجه بسیار زیادی دریافت می‌کنند که این بودجه باید کاهش یافته و مدیریت شود.

شریف افزود: دستگاه‌های متعددی خود را چنان به بودجه دولتی چسبانده‌اند که گویی بدون آن‌ها کار کشور بر زمین می‌ماند، در حالی که بسیاری از نهادهای تبلیغاتی که تاکنون کارایی خاصی نداشته‌اند، می‌توانند بودجه خود را کاهش و شرایط را برای اختصاص بودجه به اقشار آسیب‌پذیر فراهم آورند. برخی دستگاه‌ها وجود دارند که تنها هزینه اضافی برای دولت می‌تراشند. از این دست دستگاه‌ها در اقتصاد ایران فراوان است. ما در اقتصاد هزینه‌فایده انجام می‌دهیم و منافع

بسیاری از کارشناسان،

با استناد به شیوه‌های

سیاستگذاری اقتصادی

کشورهای توسعه یافته

اروپایی، تکیه بر درآمد

مالیاتی و استفاده از درآمد

مالیاتی برای حمایت از

اقشار آسیب‌پذیر را به

جای توزیع یارانه دولتی

تجویز می‌کنند؛ راهبردی

که باتوجه به شرایط خاص

اقتصادی ایران موافقان و

مخالفانی دارد